

۱۰۳ اجازه امضای موقدماتی موافقتنامه اجتناب از اقدامات مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی  
۳۰۲ در مورد مالیاتهای پرداختی و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری بنگلادش  
۱۰۴۳ به وزارت امور اقتصادی و دارایی جمهوری اسلامی ایران  
۴۲۵

حسن حبیبی  
نائب رئیس هیأت وزیران

بسمه تعالی

### وزارت امور اقتصادی و دارایی

هیأت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۶/۴/۱ بنا به پیشنهاد شماره ۳۹۲۶-۱۰-۷۵ مورخ ۱۳۷۵/۹/۲۸ وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده (۲) آیین نامه چگونگی تنظیم و انعقاد توافقات بین المللی - مصوب ۱۳۷۱ - تصویب نمود:

وزارت امور اقتصادی و دارایی مجاز است نسبت به امضای موقت "موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری بنگلادش" در چهارچوب متن پیوست اقدام نموده و مراحل قانونی را تا تصویب نهایی آن پیگیری نماید.

حسن حبیبی

معاون اول رئیس جمهور

۱۳۷۶ / ۴ / ۲۵

رونوشت به دفتر مقام معظم رهبری، دفتر رئیس جمهور، دفتر معاون اول رئیس جمهور، دفتر ریاست قوه قضاییه، دفتر معاون حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور، دفتر معاون اجرایی رئیس جمهور، دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، دیوان محاسبات کشور، اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی، اداره کل حقوقی، اداره کل قوانین و مقررات کشور، وزارت دادگستری، وزارت امور خارجه، سازمان برنامه و بودجه و دفتر هیأت دولت ابلاغ می شود.

## هزینه‌های مالی

۱- هزینه‌های مالی حاصل شده در یک دولت متعاقد و پرداخت شده به یک مقیم دولت متعاقد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- با این حال، این هزینه‌های مالی می‌تواند در دولت متعاهدی که حاصل می‌شود و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لیکن چنانچه دریافت کننده مالک منافع هزینه‌های مالی باشد، مالیات متعلقه از ..... درصد مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح "هزینه‌های مالی" به نحوی که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دیون، خواه دارای وثیقه باشد یا نباشد و خواه از حق مشارکت در منافع بدهکار برخوردار باشند یا نباشند و به خصوص درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه از جمله حقوق بیمه و جوایز مربوط به این گونه اوراق بهادار، اوراق قرضه و سهام قرضه اطلاق می‌شود. جرایم متعلقه برای تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۴- علی‌رغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل شده در یک دولت متعاقد و کسب شده توسط دولت، وزارتخانه‌ها، سایر مؤسسات دولتی، شهرداریها، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که کلاً متعلق به دولت متعاقد دیگر می‌باشند، از مالیات دولت مقدم‌الذکر معاف خواهد بود.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق یک مقر دایم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در آن دولت دیگر از یک پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دیونی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به طور مؤثر مربوط به این مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده جاری نخواهد شد. در این مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) حسب مورد، جاری خواهد بود.

۶- هزینه‌های مالی زمانی حاصل در دولت متعاقد تلقی خواهد شد که پرداخت کننده خود آن دولت، یک مقام محلی، یا یک مقیم آن دولت باشد. با این حال، در صورتی که، شخص پرداخت کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد در ارتباط با بدهی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقر دایم یا پایگاه ثابتی باشد و این هزینه‌های مالی بر عهده آن مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت هزینه‌های مالی مذکور حاصل در دولتی تلقی خواهد شد که این مقر دایم یا پایگاه ثابتی در آن واقع است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص ثالث دیگر، مبلغ هزینه‌های مالی ای که در ارتباط با این مطالبات دیون پرداخت می‌شود بیش از مبلغی باشد که در صورت عدم وجود چنین روابطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق

می‌شد، مقررات این ماده فقط در مورد مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

## ماده ۱۲

### حق الامتیازها

۱ - حق الامتیازهای حاصل شده در یک دولت متعاقد و پرداختی به مقیم دولت متعاقد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲ - با این حال، این حق الامتیازها می‌تواند در دولت متعهده‌ای که حاصل می‌شود و مطابق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لیکن چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الامتیاز باشد، مالیات متعلقه بیشتر از ... درصد مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

۳ - اصطلاح "حق الامتیاز" به نحوی که در این ماده به کار می‌رود اطلاق می‌شود به هر نوع وجوه دریافت شده به عنوان ما به ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هر گونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی.

۴ - هرگاه مالک منافع حق الامتیازها، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که حق الامتیاز حاصل می‌شود از طریق یک مقرر دایم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد، یا در آن دولت دیگر از یک پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می‌شود به طور مؤثری با این مقرر دایم یا پایگاه ثابت مرتبط باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، جاری خواهد بود.

۵ - حق الامتیاز زمانی حاصل در یک دولت متعاقد تلقی خواهد شد، که پرداخت کننده خود آن دولت، یک مقام محلی یا یک مقیم آن دولت باشد. با این حال در صورتی که، شخص پرداخت کننده حق الامتیاز (خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد) در یک دولت متعاقد دارای یک مقرر دایم یا پایگاه ثابت باشد، که حق یا اموال موجد حق الامتیاز به طور مؤثری مرتبط با آن است و این حق الامتیازها بر عهده این مقرر دایم یا پایگاه ثابت باشد. در این مورد این حق الامتیازها حاصل در دولت متعهده‌ای تلقی خواهند شد که این مقرر دایم یا پایگاه ثابت در آن واقع می‌باشد.

۶ - در صورتی که، به سبب یک رابطه خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با یک شخص ثالث، مبلغ حق الامتیازی که بابت استفاده، حق یا اطلاعات پرداخت شده، از مبلغی

که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی توسط پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط راجع به مبلغ اخیرالذکر جاری خواهد بود. در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی ها بر طبق قوانین هر دولت متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

### ماده ۱۳

#### عواید سرمایه ای

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶) و واقع در دولت متعاقد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که قسمتی از اموال شغلی یک مقر دایم را که مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد، تشکیل دهد یا اموال منقول متعلق به یک پایگاه ثابت که مقیم یک دولت متعاقد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر در اختیار دارد، از جمله عواید ناشی از نقل و انتقال این مقر دایم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۳- عواید حاصل شده توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد از نقل و انتقال کشتی ها، قایق ها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده ای یا راه آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی ها، قایق ها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده ای و راه آهن، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۴- عواید حاصل توسط یک مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت که دارایی آن به طور مستقیم یا غیرمستقیم قسمت عمده ای از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد دیگر را تشکیل می دهد می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود که دفتر ثبت شده آن مؤسسه در آن واقع است.

۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

### ماده ۱۴

#### خدمات شخصی مستقل

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد به سبب خدمات حرفه ای یا سایر فعالیتهای مشابه مستقل، فقط در آن دولت متعاقد مشمول مالیات خواهد بود، مگر آنکه این شخص به منظور ارایه فعالیت خود پایگاه ثابتی به طور مرتبط در دولت متعاقد دیگر در اختیار داشته باشد. چنانچه

چنین پایگاه ثابتی در اختیار داشته باشد، این درآمد مشمول مالیات دولت دیگر خواهد بود ولی فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت می باشد.

۲ - اصطلاح "خدمات حرفه ای" به خصوص شامل فعالیتهای مستقل علمی، ادبی، هنری، آموزشی یا پرورشی و همچنین فعالیتهای مستقل پزشکان، مهندسان، وکلای دادگستری، دندانپزشکان، معماران و حسابداران می باشد.

## ماده ۱۵

### خدمات شخصی غیر مستقل

۱ - با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) این موافقتنامه، حقوق، مزد و سایر حق الزحمه های مشابه که مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدام دریافت می دارد، فقط مشمول مالیات همان دولت می باشد، مگر آنکه استخدام در دولت متعاقد دیگر انجام شود. چنانچه استخدام بدین ترتیب انجام شود، حق الزحمه حاصل از آن می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر شود.

۲ - علی رغم مقررات بند (۱)، حق الزحمه حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده، فقط مشمول مالیات دولت مقدم الذکر خواهد بود مشروط بر آنکه:

الف - جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در دولت دیگر به سر برده است از (۱۸۳) روز، در هر مدت دوازده ماهه که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می یابد تجاوز نکند، و

ب - حق الزحمه توسط، یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاقد دیگر نیست پرداخت شود و

پ - حق الزحمه بر عهده مقر دایم یا پایگاه ثابتی که کارفرما در دولت متعاقد دیگر دارد، نباشد.

۳ - علی رغم مقررات قبلی این ماده، حق الزحمه پرداختی توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد در ارتباط با استخدام در یک کشتی، قایق، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده ای و راه آهن در حمل و نقل بین المللی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود که دفتر ثبت شده آن مؤسسه تجاری در آن واقع است.

## ماده ۱۶

### حق الزحمه مدیران

حق الزحمه مدیران و سایر پرداختهای مشابه حاصل شده توسط مقیم یک دولت متعاقد در سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره شرکتی که مقیم دولت متعاقد دیگر می باشد، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

## هنرمندان و ورزشکاران

۱ - علی‌رغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵)، درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان یک هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا یک موسیقیدان، یا به عنوان یک ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی انجام شده در دولت متعاقد دیگر حاصل می‌نماید می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲ - در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی یک هنرمند یا یک ورزشکار عاید شخص دیگری غیر از خود آن هنرمند یا ورزشکار شود، علی‌رغم مقررات مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵)، آن درآمد می‌تواند مشمول مالیات دولت متعاقدی که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گیرد، شود.

۳ - علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲)، درآمد حاصل توسط یک هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیتهای ارایه شده در دولت متعاقد دیگر، در حدود موافقتنامه فرهنگی منعقد شده بین دو دولت متعاقد، از مالیات آن دولت دیگر معاف خواهد بود.

## ماده ۱۸

### حقوق بازنشستگی

۱ - با رعایت مقررات بند (۱) ماده (۱۹)، حقوق بازنشستگی و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به ازای خدمات گذشته، فقط مشمول مالیات آن دولت می‌باشد. این مقررات برای مستمریهای سالانه مادام‌العمر پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد بکار می‌رود.

۲ - حقوق بازنشستگی، مستمریهای سالانه مادام‌العمر و سایر پرداختهای ادواری یا موردی توسط یک دولت متعاقد بابت بیمه حوادث شخصی، می‌تواند فقط در آن دولت مشمول مالیات شود.

## ماده ۱۹

### خدمات دولتی

۱ - حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه (به غیر از حقوق بازنشستگی) پرداختی توسط یا از محل صندوق ایجاد شده توسط یک دولت متعاقد یا یک مقام محلی آن به یک شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا مقام محلی، فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

با اینحال، این حق‌الزحمه‌ها در صورتی فقط مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود که این خدمات در آن دولت انجام شود و آن شخص حقیقی مقیم آن دولت باشد که:

- تابعیت آن دولت را داشته باشد، یا

- تنها به منظور انجام آن خدمات مقیم آن دولت نشده باشد.

۲ - مقررات مواد (۱۵)، (۱۶) و (۱۸) در مورد حق الزحمه و حقوق بازنشستگی مربوط به خدمات انجام شده بابت فعالیتهای شغلی انجام شده توسط یک دولت متعاقد یا یک مقام محلی آن جاری خواهد بود.

## ماده ۲۰

### مدرسین و محصلین

۱ - وجوهی که یک محصل یا کارآموز شغلی که تبعه یک دولت متعاقد می باشد و تنها به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر به سر می برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود، مشروط بر اینکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شده باشد.

۲ - همچنین، حق الزحمه ای که یک مدرس یا معلمی که تبعه یک دولت متعاقد می باشد و در دولت متعاقد دیگر به سر می برد و منظور اولیه، تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره هایی که از دو سال تجاوز نکند باشد، از مالیات آن دولت دیگر بر حق الزحمه، بابت خدمات شخصی مربوط به تدریس یا تحقیق معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

این بند در مورد درآمد حاصل از تحقیقاتی که اساساً "برای منافع خصوصی شخص یا اشخاص بخصوص انجام می شود جاری نخواهد بود.

## ماده ۲۱

### سایر درآمدها

۱ - اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که صریحاً در مواد قبلی این موافقتنامه ذکر نشده است، فقط مشمول مالیات آن دولت دیگر خواهد بود، مگر آنکه این گونه اقلام درآمد از منابعی در دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشند.

۲ - به استثنای درآمد حاصل از اموال غیر منقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق یک مقر دایم واقع در آن فعالیت شغلی نماید یا در آن دولت دیگر از یک پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در رابطه با آن حاصل شده است به طور مؤثری با این مقر دایم یا پایگاه ثابت مرتبط باشد، مقررات بند (۱) جاری نخواهد بود. در این مورد این اقلام درآمد در آن دولت متعاقد دیگر و بر طبق مواد قوانین خود آن دولت مشمول مالیات می باشند.

## ماده ۲۲

### سرمایه

۱ - سرمایه متشکل از اموال غیر منقول موضوع ماده (۶) (درآمد حاصل از اموال غیر منقول) که متعلق به مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر واقع شده، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲ - سرمایه متشکل از اموال منقولی که جزئی از اموال شغلی یک مقرر دایمی که مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد می باشد یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که مقیم یک دولت متعاهد به منظور مبادرت به خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر در اختیار دارد، می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر شود.

۳ - سرمایه متشکل از کشتیها، قایقها، هواپیما، وسایط نقلیه جاده ای و راه آهن، مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی و همچنین اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده ای و راه آهن، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود که دفتر ثبت شده آن مؤسسه در آن واقع است.

۴ - سرمایه متشکل از سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت که داراییهای آن عمدتاً از اموال غیر منقول واقع در یک دولت متعاهد تشکیل شده است، می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد شود.

۵ - کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

## ماده ۲۳

### روش حذف مالیات مضاعف

۱ - در صورتی که مقیم یک دولت متعاهد درآمدی حاصل می کند یا سرمایه ای دارد که، طبق مقررات این موافقتنامه، می تواند مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر شود، دولت مقدم الذکر اجازه خواهد داد:

الف - مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود.

ب - مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بر سرمایه آن مقیم کسر شود.

با این حال در هر یک از دو مورد این گونه تخفیفات، از آن قسمت از مالیات بر درآمد، یا مالیات بر سرمایه مورد محاسبه قبل از دادن تخفیف، که حسب مورد مربوط به درآمد یا سرمایه ای باشد که می تواند در آن دولت دیگر مشمول مالیات شود بیشتر نخواهد بود.

۲- در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت معاف باشد، معهدا این دولت می تواند در محاسبه مبلغ مالیات بر باقیمانده درآمد یا سرمایه این مقیم، یا سرمایه معاف شده را منظور کند.

## ماده ۲۴

### عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، سوای یا سنگینتر از مالیات و الزامات مربوطی که اتباع دولت دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی رغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز خواهد بود.

۲- مالیات یک مقرر دایم که مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد، با مطلوبیت کمتری از مالیات مؤسسات تجاری آن دولت متعاقد دیگری که همان فعالیتها را انجام می دهند، وصول نخواهد شد.

۳- مؤسسات تجاری یک دولت متعاقد که سرمایه آنها به طور کلی یا جزئی، به طور مستقیم یا غیر مستقیم متعلق یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می باشد، در دولت مقدم الذکر، مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سوای یا سنگینتر از مالیات و الزامات مربوط به آن که سایر مؤسسات مشابه تجاری در دولت مقدم الذکر مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهد شد.

۴- این مقررات به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که هر نوع تخفیفات شخصی، معافیتها و بخشودگی مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسؤولیتهای خانوادگی به مقیمان خود اعطا می نماید به مقیمان دولت متعاقد دیگر نیز اعطا کند.

## ماده ۲۵

### آیین توافق دو جانبه

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد ملاحظه کند که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی باشد، صرف نظر از تدابیر پیش بینی شده در قوانین ملی آن دولتها، می تواند مورد خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعهده که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مطابق بند (۱) ماده (۲۴) باشد، به مقام صلاحیتدار دولت متعهده که تبعه آن است تسلیم نماید. این مورد باید ظرف دو سال از اولین اخطار اقدامی که منتج به اعمال مالیاتی شده که منطبق با مقررات این موافقتنامه نیست، تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی نتواند شخصاً به راه حل مناسبی برسد، خواهد کوشید که از طریق توافق دو جانبه با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر، به منظور اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی باشد، مورد را فیصله دهد.

۳- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد برای حل هر گونه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه، به طریق توافق دو جانبه کوشش خواهند کرد و نیز می توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد می توانند به منظور حصول به توافق در موارد بندهای پیشین با یکدیگر ارتباط مستقیم برقرار کنند. مقامهای صلاحیتدار، به طریق مشاوره، از آیین ها، شرایط، روشها و فنون دوجانبه مقتضی برای اجرای آیین توافق دوجانبه پیش بینی شده در این ماده استفاده خواهند نمود.

## ماده ۲۶

### تبادل اطلاعات

۱- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد اطلاعاتی را که برای اجرای مقررات این موافقتنامه ضروری است یا قوانین داخلی دو دولت متعاقد را که به وضع مالیاتهای مشمول این موافقتنامه مربوط می باشد تا جایی که وضع مالیات به موجب آن مغایر این موافقتنامه نباشد با یکدیگر مبادله خواهند کرد. تبادل اطلاعات به ماده (۱) محدود نمی شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاقد دریافت می شود به همان شیوه ای که اطلاعات کسب شده طبق قوانین آن دولت سری می باشد، سری خواهد بود و فقط برای اشخاص یا مقامها، از جمله دادگاهها و تشکیلات اداری مرتبط با تشخیص، یا وصول، اجرا یا پیگیری، در خصوص تصمیم گیری در مورد پژوهش خواهیهای مربوط به مالیاتهایی که مشمول این موافقتنامه می باشند، افشا خواهد شد. این اشخاص یا مقامها اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنها می توانند این اطلاعات را در دادرسیهای دادگاههای عمومی یا تصمیمات قضایی فاش سازند.

۲- مقررات بند (۱) در هیچ مورد چنین تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را وادار سازد:

الف- اقدامات اداری خلاف قوانین و عرف اداری خود یا دولت متعاقد دیگر اتخاذ نماید.

ب- اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا رویه اداری متعارف خود یا دولت متعاقد دیگر

قابل تحصیل نیست.

پ- اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی

یا حرفه ای یا فرآیند تجاری شود یا اطلاعاتی که افشای آن خلاف سیاست (نظم) عمومی باشد.

## مساعدت برای وصول

- ۱ - مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد تعهد می نمایند در مورد وصول مالیات به انضمام هزینه های مالی، هزینه ها و مجازاتهای مدنی مرتبط با اینگونه مالیاتها که در این ماده به عنوان "مطالبه درآمد مالیاتی" نامیده خواهد شد، به یکدیگر مساعدت کنند.
- ۲ - درخواست مساعدت از طرف مقامهای صلاحیتدار یک دولت متعاقد برای وصول "مطالبه درآمد مالیاتی" باید با یک گواهینامه از طرف آن مقام مبنی بر آنکه طبق قوانین آن دولت این "درآمد مالیاتی" به قطعیت رسیده است، باشد. از لحاظ این ماده، "درآمد مالیاتی" وقتی قطعی خواهد بود که یک دولت متعاقد طبق قوانین داخلی خود حق وصول این مالیات را داشته باشد و مؤدی مالیاتی هیچ نوع حقوق دیگری برای جلوگیری از وصول آن نداشته باشد.
- ۳ - "مطالبه درآمد مالیاتی" یک دولت متعاقد که وصول آن توسط مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر پذیرفته شده است. همانند "مطالبه درآمد مالیاتی" خود آن دولت که به قطعیت رسیده است، توسط آن دولت متعاقد دیگر مطابق با مفاد قوانین مربوط به وصول مالیاتهای آن دولت دیگر وصول خواهد شد.
- ۴ - مبالغ وصول شده توسط مقام صلاحیتدار یک دولت متعاقد به موجب این ماده، به مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر تقدیم خواهد شد. با این حال، جز در مواردی که مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاقد طور دیگری توافق نمایند، مخارج معمولی هزینه شده برای مساعدت در وصول، برعهده دولت متعاقد مقدم الذکر خواهد بود و هرگونه مخارج فوق العاده هزینه شده برعهده دولت متعاقد دیگر خواهد بود.
- ۵ - هیچگونه مساعدتی برای "مطالبه درآمد مالیاتی" یک دولت متعاقد به موجب این ماده، در مورد مؤدی مالیاتی تا حدی که "مطالبه درآمد مالیاتی" وی مرتبط با مدتی باشد که طی آن مدت مؤدی یادشده مقیم دولت متعاقد دیگر بوده است، انجام نخواهد شد.
- ۶ - علی رغم مقررات ماده (۲) (مالیاتهای مورد نظر)، مقررات این ماده شامل کلیه مالیاتهای وصول شده توسط یا از طرف یک دولت متعاقد خواهد شد.
- ۷ - مقررات این ماده چنین تعبیر نخواهد شد که هریک از دو دولت متعاقد را وادار سازد که اقدامات اداری که ماهیتاً متفاوت از آنچه در وصول مالیاتهای خود معمول می دارد، یا مغایر با سیاست عمومی (نظم عمومی) آن دولت باشد، بکار برد.

## اعضای هیأت های سیاسی و مناصب کنسولی

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضای مأموریت های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین الملل یا مقررات موافقتنامه های خاص از آن برخوردار می باشند، تاثیری نخواهد گذاشت.

## بسمه تعالی

موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت بنگلادش

### مقدمه

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت بنگلادش با تمایل به انعقاد موافقتنامه‌ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه، به شرح زیر توافق نمودند:

### ماده ۱

#### اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم قلمرو یکی از دولتهای متعاقد یا هر دوی آنها باشند.

### ماده ۲

#### مالیاتهای موضوع موافقتنامه

۱ - این موافقتنامه شامل مالیات بر درآمد و مالیات بر سرمایه است که صرف نظر از نحوه وضع آنها، از سوی هر دولت متعاقد یا مقامهای محلی آنها وضع می شود.

۲ - مالیات بر درآمد و سرمایه عبارتند از کلیه مالیاتهای متعلقه به کل درآمد، کل سرمایه یا اجزای درآمد یا سرمایه از جمله مالیات عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیر منقول، مالیات بر کل مبالغ پرداختی مؤسسات تجاری بابت دستمزد یا حقوق و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳ - مالیاتهای فعلی مشمول این موافقتنامه به خصوص عبارتند از:

الف: در مورد جمهوری اسلامی ایران

- مالیات بر درآمد

- مالیات بر اموال

(که از این پس مالیات مستقیم جمهوری اسلامی ایران نامیده می شود).

ب: در مورد بنگلادش

## لازم الاجرا شدن

۱- این موافقتنامه در هریک از دولتهای متعاقد تصویب خواهد شد و اسناد تصویب آن در اسرع وقت مبادله خواهد شد.

۲- این موافقتنامه با مبادله اسناد تصویب، لازم الاجرا و مقررات آن در موارد زیر نافذ خواهد شد:

- الف- در مورد مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، حاصل می شود.
- ب- در مورد سایر مالیاتهای بر درآمد و بر سرمایه، به آن گونه از مالیاتهای متعلقه به هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، شروع می شود.

## ماده ۳۰

## فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاقد فسخ شود لازم الاجرا خواهد بود. هریک از دولتمین متعاقد می تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری دیپلماتیک، با ارایه یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنج ساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه در موارد زیر نافذ نخواهد بود:

- الف- نسبت به مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، حاصل می شود.
- ب- نسبت به سایر مالیاتهای بر درآمد و مالیات بر سرمایه به آن گونه مالیاتهای متعلقه برای هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، شروع می شود.

بنا به مراتب فوق، امضاکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود به نحو مقتضی مجاز می باشند این موافقتنامه را امضا نمودند.

این موافقتنامه ..... در دو نسخه در تاریخ ..... به زبانهای فارسی، ... و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف

دولت جمهوری اسلامی ایران

از طرف

دولت بنگلادش

۴- این موافقتنامه شامل مالیاتهای یکسان یا اساساً مشابه طبقه‌بندی شده مطابق با تعریف بند (۱) این ماده که علاوه بر مالیاتهای موجود یا بجای آنها، بعد از امضا این موافقتنامه وضع شود نیز خواهد بود. مقامهای ذیصلاح دولتهای متعاقد، ظرف مدت معقولی یکدیگر را، از هر تغییری که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

### ماده ۳

#### تعاریف کلی

- ۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضانماید:
- الف: اصطلاح "یک دولت متعاقد" و "دولت متعاقد دیگر" بنا به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران و یا..... اطلاق می‌شود.
- ب: اصطلاح "جمهوری اسلامی ایران" به قلمرو تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می‌شود.
- پ: اصطلاح "بنگلادش" به ..... اطلاق می‌شود.
- ت: اصطلاح "مالیات" به کلیه مالیاتهای مشمول ماده (۲) این موافقتنامه اطلاق می‌شود.
- ث: اصطلاح "شخص" شامل یک شخص حقیقی، یک شرکت یا سایر انواع اشخاص می‌باشد.
- ج: اصطلاح "شرکت" به هر شخص حقوقی یا هر مؤسسه که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می‌شود اطلاق می‌شود.
- چ: اصطلاح "دفتر ثبت شده" به مفهوم دفتر مرکزی ثبت شده طبق قوانین مربوط هر دولت متعاقد می‌باشد.
- ح: اصطلاحات "مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد" و "مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر" به ترتیب به مؤسسه تجاری‌ایکه به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه تجاری‌ایکه به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می‌گردد اطلاق می‌شود.
- خ: اصطلاح "حمل و نقل بین‌المللی" به هر گونه حمل توسط یک کشتی، قایق، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای و راه آهن که توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد انجام می‌گردد اطلاق می‌شود، به استثنای مواردی که کشتی، قایق، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای و راه آهن تنها بین مکانهای واقع در دولت متعاقد دیگر استفاده شود.
- د: اصطلاح "مقام صلاحیتدار" اطلاق می‌شود:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران، به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او

- در مورد بنگلادش .....

د: اصطلاح "تبعه" اطلاق می شود به:

- هر شخص حقیقی که دارای تابعیت یک دولت متعاقد باشد.

- هر شخص حقوقی، که وضعیت قانونی خود را به موجب قوانین جاری یک دولت متعاقد کسب نماید.

۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد، آن معنایی را خواهد داشت که طبق قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه دارد.

#### ماده ۴

##### مقیم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح "مقیم یک دولت متعاقد" اطلاق می شود به هر شخصی که به موجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل مدیریت یا سایر معیارهای مشابه، مشمول مالیات آنجا باشد.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده یک شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف- او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن یک محل سکونت دایمی در اختیار داشته باشد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دایمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که با آن روابط شخصی و اقتصادی نزدیکتری دارد. (مرکز منافع حیاتی)

ب- هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا اگر در هیچ یک از دو دولت محل سکونت دایمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می برد.

پ- هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاقد به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آنرا دارد.

ت- هرگاه او تابعیت هیچ یک از دو دولت را نداشته باشد مقامهای صلاحیتدار دو دولت موضوع را با توافق دو جانبه فیصله خواهند داد.

۳- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده، شخصی غیر از یک شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که محل مدیریت مؤثر آن واقع است.

مقر دایم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح "مقر دایم" اطلاق می شود به محل ثابت شغلی، که از طریق آن، مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد به طور کلی یا جزئی در دولت متعاهد دیگر فعالیت شغلی دارد.

۲- اصطلاح "مقر دایم" به خصوص شامل موارد زیر است:

الف - محل اداره

ب - شعبه

پ - دفتر

ت - کارخانه

ث - کارگاه

ج - معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، بهره برداری، استخراج از منابع طبیعی.

۳- کارگاه ساختمانی، پروژه نصب یا سوار نمودن ساختمان یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، "مقر دایم" محسوب می شوند لیکن فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیتهای بیش از دوازده ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

۴- علی رغم مقررات قبلی این ماده، فعالیتهای مشروح زیر مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر، به عنوان فعالیت از طریق یک "مقر دایم" تلقی خواهد شد:

الف - استفاده از تأسیسات تنها به منظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه تجاری.

ب - نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه تجاری تنها به منظور انبار کردن یا نمایش.

پ - نگهداری موجودی اجناس یا کالای متعلق به مؤسسه تجاری تنها به منظور آماده سازی آنها توسط مؤسسه تجاری دیگر.

ت - نگهداری یک محل ثابت شغلی تنها به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا جمع آوری اطلاعات برای آن مؤسسه تجاری.

ث - نگهداری یک محل ثابت شغلی تنها به منظور انجام تبلیغات، گردآوری اطلاعات، تحقیقات علمی، سایر فعالیتهایی که دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

ج - نگهداری یک محل ثابت شغلی تنها به منظور ترکیبی از فعالیتهای مذکور در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیبات، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵ - علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی (بغیر از یک نماینده دارای وضعیت مستقل، که مشمول بند (۶) می‌باشد)، در یک دولت متعاقد از طرف یک مؤسسه تجاری فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و آنرا به طور معمول اعمال نماید، آن مؤسسه تجاری در مورد فعالیت‌هایی که آن شخص برایش انجام می‌دهد دارای مقر دایم در آن دولت تلقی خواهد شد، مگر آنکه فعالیت‌های این شخص محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که به موجب مقررات بند مذکور چنانچه از طریق یک محل ثابت شغلی نیز انجام گیرند، این محل ثابت شغلی را به یک مقر دایم تبدیل نخواهد کرد.

۶ - مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد تنها به سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق یک حق‌العمکار، دلال یا هر نماینده مستقل دیگر به انجام امور می‌پردازد، دارای مقر دایم در آن دولت متعاقد دیگر تلقی نخواهد شد، مشروط بر آنکه عملیات این اشخاص در حدود معمول فعالیت خود آنها باشد.

مع‌ذلک، هر گاه فعالیت‌های چنین نماینده‌ای به طور کامل یا تقریباً "کامل به آن مؤسسه تجاری تخصیص یافته باشد، چنانچه معاملات بین این نماینده و آن مؤسسه تجاری در شرایط استقلال انجام نگیرد، او به عنوان یک نماینده دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷ - این واقعیت که شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد است، شرکتی را که مقیم دولت متعاقد دیگر باشد یا در قلمرو آن فعالیت می‌کند، کنترل کند یا به وسیله آن کنترل شود (خواه از طریق یک مقر دایم و خواه به نحو دیگر) فی نفسه کافی نخواهد بود که یکی از آنها مقر دایم دیگری تلقی شود.

## ماده ۶

### درآمد حاصل از اموال غیر منقول

۱ - درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری)، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر شود.

۲ - اصطلاح "اموال غیر منقول" به موجب قوانین دولت متعهده‌ی که مال مورد بحث در آن قرارداد، تعریف خواهد شد. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و وسائل مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات حقوق عمومی راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداخت‌های ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق کار، ذخایر معدنی، چاه‌های نفت یا گاز، معادن سنگ و سایر مکان‌های استخراج منابع طبیعی از جمله الوار یا سایر محصولات جنگلی خواهد بود. کشتی‌ها، قایق‌ها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای و راه آهن به عنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، استیجاری یا هر شکل دیگر بهره‌برداری از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

۴- در صورتی که دارا بودن سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت، مالک این سهام یا حقوق شراکتی را محق به تمتع از اموال غیر منقول متعلق به آن شرکت نماید، درآمد ناشی از استفاده مستقیم، استیجاری یا هر شکل دیگر این حق تمتع می‌تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی که اموال غیر منقول در آن واقع است، شود.

۵- مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیر منقول یک مؤسسه تجاری و درآمد ناشی از اموال غیر منقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد بود.

## ماده ۷

### منافع تجاری

۱- منافع ناشی از فعالیتهای تجاری حاصل شده توسط مؤسسه یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود، مگر اینکه این مؤسسه تجاری در دولت دیگر از طریق مقر دایم واقع در آن دولت امور تجاری خود را انجام دهد.

چنانچه مؤسسه تجاری بطوری که در بالا ذکر شد فعالیت تجاری انجام دهد، منافع آن مؤسسه تجاری می‌تواند مشمول مالیات دولت دیگر شود، لیکن آن قسمتی از آن که مرتبط با مقر دایم باشد.

۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتی که مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر از طریق مقر دایم واقع در آن فعالیت نماید، در هر یک از دو دولت متعاهد، آن منافع جهت مقر دایم منظور می‌شود که اگر این مقر، یک مؤسسه متمایز و مجزا بود و همان فعالیتهای مشابه آنرا در همان شرایط یا شرایط مشابه انجام می‌داد و به طور کاملاً مستقلی با مؤسسه تجاری ای که مقر دایم آن می‌باشد معامله می‌کرد، ممکن بود تحصیل نماید.

۳- در تعیین منافع یک مقر دایم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرایی و هزینه‌های عمومی اداری (که چنانچه این مقر دایمی یک مؤسسه مستقل می‌بود قابل کسر بود) تا حدودی که این هزینه‌ها خواه در دولتی که مقر دایم در آن واقع است انجام پذیرد و خواه در جای دیگر، برای مقاصد آن مقر دایم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد.

۴- در حالتی که در یک دولت متعاهد روش متعارف برای تعیین منافع قابل تخصیص به یک مقر دایم بر اساس تسهیم کل منافع آن مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاهد، برای تعیین منافع مشمول مالیات نخواهد شد. با این حال نتیجه روش تسهیمی اتخاذ شده می‌بایست با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

۵ - تنها به سبب خرید اجناس یا کالاها توسط یک مقرر دایم برای مؤسسه تجاری، هیچ منافی برای آن مقرر دایم تخصیص نخواهد یافت.

۶ - منافع تخصیصی به مقرر دایم به همان روش سال به سال تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷ - در صورتی که منافع، شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مقررات آن مواد تحت تأثیر مقررات این ماده قرار نخواهد گرفت.

## ماده ۸

### حمل و نقل بین‌المللی

منافع حاصل‌شده توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتی‌ها، قایق‌ها، هواپیما یا وسایط نقلیه جاده‌ای و راه آهن، در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

## ماده ۹

### مؤسسات شریک

۱ - در صورتی که:

الف - مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر شرکت داشته باشد،

یا

ب - اشخاص واحدی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد و مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر شرکت داشته باشند و در هر یک از دو مورد، شرایط مقرر یا وضع شده، در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه تجاری، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات تجاری مستقل برقرار است، در آن صورت هر گونه منافی که باید عاید یکی از این مؤسسات تجاری شده باشد، ولی به علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزو منافع آن مؤسسه تجاری منظور شده و متناسب با آن مشمول مالیات متعلقه شود.

۲ - در صورتی که یک دولت متعاقد منافی از مؤسسه تجاری آن دولت را محاسبه و متناسب با آن مشمول مالیات نماید که مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر مشمول پرداخت مالیات در آن دولت متعاقد دیگر شده است و منافی که بدین ترتیب محسوب شده‌اند توسط دولت مقدم‌الذکر ادعا شود که منافی هستند که چنانچه شرایط بین این دو مؤسسه، مانند شرایط میان دو مؤسسه مستقل بود عاید آن مؤسسه می‌شد، در این صورت آن دولت دیگر در مقدار مالیات آن منافع، تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی باید سایر مقررات این موافقتنامه لحاظ شوند و مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند نمود.

## سود سهام

۱ - سود سهام پرداختی توسط شرکتی که مقیم یک دولت متعاهد است به مقیم یک دولت متعاهد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲ - با این حال این سود سهام می‌تواند در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لیکن در صورتی که دریافت کننده، مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از مبالغ زیر تجاوز نخواهد کرد از:

الف: .... درصد مبلغ ناخالص سود سهام، در صورتی که دریافت کننده شرکتی (به غیر از مشارکتها) باشد که حداقل ..... درصد سرمایه شرکت پرداخت کننده سود سهام را مستقیماً در اختیار داشته باشد.

ب: .... درصد مبلغ ناخالص سود سهام در کلیه سایر موارد.

۳ - اصطلاح "سود سهام" به نحوی که در این ماده به کار می‌رود اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسسان یا سایر حقوق، (به استثنای مطالبات دیون)، مشارکت در منافع و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولتی که شرکت توزیع کننده درآمد، مقیم آن می‌باشد، مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌شود.

۴ - هرگاه مالک منافع سود سهام مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دایم واقع در آن، به فعالیتی شغلی بپردازد یا در آن دولت دیگر از یک پایگاه ثابت واقع در آن، خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به طور مؤثر مرتبط با این مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، جاری خواهد بود.

۵ - در صورتی که شرکتی که مقیم یک دولت متعاهد می‌باشد، منافع یا درآمدی از دولت متعاهد دیگر حاصل نماید، آن دولت متعاهد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به طور مؤثر مرتبط با یک مقر دایم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر باشد)، و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد نمود، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، به طورکی یا جزیی از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شوند.